

سؤالات چهار گزیننه ای ( ۲ نمره)												
۱- الف	۲- د	۳- ب	۴- الف									
سؤالات تشریحی ( ۱۸ نمره)												
<p>۱- دو اصطلاح «تحدیر» و اغراء را تعریف کرده، بیان کنید هریک از مثال های زیر کدام یک از این دو به شمار می آید.</p> <p style="text-align: center;">(أ) الأهل والولد: (ب) رأسك والسيف:</p> <hr/> <p>تحدیر: متکلم مخاطب را وادار کند از امری که مورد پسند نیست، اجتناب و دوری کند. (./۷۵)</p> <p>اغراء: متکلم مخاطب را وادار کند به امری که مطلوب و نیکو است، توجه کند. (./۷۵)</p> <p>الف) اغراء (./۲۵)      ب) تحدیر (./۲۵)</p>												
<p>۲- مطابق نمونه، نوع تابع به کار رفته در آیات زیر را از میان اصطلاحات داده شده، بیابید.</p> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; margin: 10px auto; width: 80%;"> <p>۱- بدل اشتمال / ۲- بدل جمله از جمله / ۳- نعت مقطوع / ۴- بدل فعل از فعل / ۵- تأکید معنوی / ۶- نعت جمله / ۷- تأکید لفظی جمله</p> <p>۸- عطف بیان / ۹- نعت سببی / ۱۰- عطف بر ضمیر متصل / ۱۱- بدل کل از کل</p> </div> <p>نمونه: ﴿قَتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ﴾ التَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ: بدل اشتمال</p> <p>الف) ﴿إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾: (ب) ﴿إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ لَوْنُهَا﴾: (ج) ﴿تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا﴾: (د) ﴿وَأَمْرَاتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ﴾: (هـ) ﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ﴾: (و) ﴿كَلَّا سَيَعْلَمُونَ﴾ ﴿ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ﴾: (ز) ﴿يَسْأَلُونَكَ سَاءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ﴾: (ح) ﴿أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ﴾ ﴿أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَيْنِينَ﴾:</p> <hr/> <table style="width: 100%; border: none;"> <tr> <td style="width: 33%;">(أ) عطف بیان</td> <td style="width: 33%;">(ب) نعت سببی</td> <td style="width: 33%;">(ج) بدل کل از کل</td> </tr> <tr> <td>(د) نعت مقطوع</td> <td>(هـ) نعت جمله</td> <td>(و) تأکید لفظی جمله</td> </tr> <tr> <td>(ز) بدل فعل از فعل</td> <td></td> <td>(ح) بدل جمله از جمله</td> </tr> </table> <p style="text-align: center;">(۸ مورد - هر کدام ۲۵ /.)</p>				(أ) عطف بیان	(ب) نعت سببی	(ج) بدل کل از کل	(د) نعت مقطوع	(هـ) نعت جمله	(و) تأکید لفظی جمله	(ز) بدل فعل از فعل		(ح) بدل جمله از جمله
(أ) عطف بیان	(ب) نعت سببی	(ج) بدل کل از کل										
(د) نعت مقطوع	(هـ) نعت جمله	(و) تأکید لفظی جمله										
(ز) بدل فعل از فعل		(ح) بدل جمله از جمله										
<p>۳- اعراب فعل های مشخص شده را تعیین کنید. (از میان ۶ مورد زیر، تنها به ۴ عدد پاسخ گوید)</p> <p>الف) ﴿لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ﴾: (ب) ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ﴾: (ج) ﴿وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي﴾: (د) ﴿وَمَا تَعْلَمُوا مِن خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ﴾: (هـ) ﴿وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمِ الصَّابِرِينَ﴾: (و) ﴿أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَع وَيَلْعَبُ﴾:</p> <hr/> <table style="width: 100%; border: none;"> <tr> <td style="width: 33%;">الف) مرفوع</td> <td style="width: 33%;">(ب) مجزوم</td> <td style="width: 33%;">(ج) منصوب</td> </tr> <tr> <td>(د) مجزوم</td> <td>(هـ) منصوب</td> <td>(و) مجزوم</td> </tr> </table> <p style="text-align: center;">(۴ مورد - هر کدام ۵ /.) (نمره)</p>				الف) مرفوع	(ب) مجزوم	(ج) منصوب	(د) مجزوم	(هـ) منصوب	(و) مجزوم			
الف) مرفوع	(ب) مجزوم	(ج) منصوب										
(د) مجزوم	(هـ) منصوب	(و) مجزوم										
<p>۴- قال ابن مالك:</p> <p style="text-align: center;">وَالْفِعْلُ مِنْ بَعْدِ الْجَزَا إِنْ يَتَّسِرُ بِالْفَا أَوْ الْوَاوِ بِتَثْنَيْتِ قِمِنْ</p> <p>فعل «يفغر» در آیه زیر به سه وجه مختلف خوانده شده است. توجه هر یک را بیان کنید. چنانچه این فعل را با حرف «ثم» به فعل پیشین عطف کنیم، چه اعرابی برای آن صحیح است؟</p> <p style="text-align: center;">﴿وَإِنْ تَبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يَحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرْ لِمَن يَشَاءُ﴾</p> <hr/> <p>- «مرفوع» بنابر استیناف (./۵)، «مجزوم» بنا بر عطف بر «یحاسبکم» (./۵)، «منصوب» بنا بر در تقدیر گرفتن «أن» ناصبه پس از «فاء» سببیت در جواب اشیاء سته. (./۵)</p> <p>- در صورت عطف به واسطه «ثم»، مرفوع یا مجزوم می شود و «نصب» آن جایز نیست. (./۵)</p>												
<p>۵- اسباب منع صرف هریک از کلمات زیر را بنویسید. الف) سعاد      ب) معدیکرب      ج) أحمَر      د) سکران</p> <hr/> <p>الف) علمیت + تانیث      ب) علمیت + ترکیب مزجی      ج) وزن الفعل + وصفیت      د) «ان» زانده، + وصفیت</p>												

وَصَالِحًا لِيَدْلِيَّ يُرَى فِي غَيْرِ نَحْوِ يَا غَلَامُ يَغْمُرًا  
وَنَحْوِ بَشْرٍ تَابِعِ الْبَكْرِيِّ وَلَيْسَ أَنْ يُبَدَلَ بِالْمَرْضِيِّ

با توجه به این دو بیت، علت بدل نبودن «يعمر» و «بشر» را در دو مثال «یا غلامُ يعمر» و «أنا ابنُ التاركِ البكرِيُّ بشرٌ» توضیح دهید.

- علت بدل نبودن «يعمر» در مثال این است که «يعمر» معرب و منصوب است در حالیکه طبق قاعده «بدل در نیت تکرار عامل است» و «يعمر» به دلیل مفرد معرفه بودن باید مبنی بر ضمه می‌شد، پس نمی‌تواند بدل باشد. (۱)  
- در مثال «أنا ابن التارك...» اگر کلمه «بشر» را بدل از «البكری» بدانیم، باید عامل در متبوع یعنی کلمه «التارك» را، عامل در بدل نیز بدانیم، و چون عبارت «التارك بشر» ممتنع است (به دلیل امتناع «ال» گرفتن مضاف در جایی که مضاف الیه بدون ال است) پس نمی‌توان کلمه «بشر» را بدل از «البكری» گرفت. (۱)

۷- متصله یا منقطعه بودن «أم» را در مثال های زیر با ذکر علت مشخص کنید. (از میان ۶ مورد زیر، تنها به ۴ عدد پاسخ گوید)

الف) «أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبِطُّونَ بِهَا»: (ب) «هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿١٠٠﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتِرَاءً»: (ج) «وَإِنْ أَدْرِي أَقْرِبُ أَمْ يَبْعِدُ مَا تُوعَدُونَ»:  
د) «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»: ه) «أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ»: (و) «سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرَعْنَا أَمْ صَبَرْنَا»:

الف) منقطعه - زیرا مسبوق به همزه تسویه یا همزه مغنیه از «أَيُّ» نشده است.  
ب) منقطعه - زیرا مسبوق به همزه تسویه یا مغنیه از «أَيُّ» نشده است.  
ج) متصله - به علت تقدیم همزه مغنیه از «أَيُّ».  
د) متصله - به علت تقدیم همزه مغنیه از «أَيُّ»  
ه) متصله - به علت تقدیم همزه تسویه

(۴ مورد - هر کدام ۵/ - نمره)

۸- هریک از مثال‌های زیر به کدام مورد از موارد لحوق «نون» تأکید اشاره دارد؟

الف) إضْرِبَنَّ زَيْدًا: (ب) هَلْ تَضْرِبَنَّ زَيْدًا: (ج) إِمَّا نَضْرِبَنَّكَ فَنُحْنِ نَكْرَمًا: (د) وَاللَّهِ لَأَضْرِبَنَّكَ:

الف) لحوق به فعل امر.  
ج) لحوق به فعل شرطی که پس از «إمّا» آمده است.  
ب) لحوق به فعل مضارع طلبی.  
د) لحوق به فعلی که جواب قسم آمده است.

۹- «الثاني إِمِنْ وَجْهِ لَوْ: أَنْ تَكُونَ شَرْطِيَّةً، نَحْوُ: "لَوْ قَامَ زَيْدٌ لَقَامَ عَمْرُو"، وَفَسَّرَهَا سَبِيوِيَّةً بِأَنَّهَا حَرْفٌ لِمَا كَانَ سَيِّعُ لَوْ قَوْعٍ غَيْرِهِ؛ وَفَسَّرَهَا غَيْرُهُ بِأَنَّهَا حَرْفٌ لِمَتَاعٍ لَامْتِنَاعٍ». با توجه به متن، انتفاء شرط و جواب «لو» را در مثال «لو قام زيد لقام عمرو» بر اساس تعریف سببویه و غیر سببویه بررسی کنید.

با توجه به تعریف سببویه، «قیام زید» (شرط) منتفی است ولی برای عمرو ممکن است قیام دیگری به سببی غیر از قیام زید، حاصل شده باشد؛ بنابراین، طبق تعریف سببویه «قیام عمرو» به طور کلی منتفی نیست (۱). اما بر طبق تعریف غیر سببویه، قیام هر دو (شرط و جزاء) منتفی است. (۱)